

# نان زعفرانیه و آب غیزانیه

درباره داستان مشکلات حل‌نشده آب شرب منطقه غیزانیه اهواز که با اعتراض مردم منطقه به گوش مسئولان رسید



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

حقیقتا برای من که نه‌لایهت وسع و توانم برای مواجهه با مصائب و اتفاقات، سیاه‌کردن صفحه روزنامه و واکنش رسانه‌ای است نوشتن از درد تکراری و مشکلات متعدد مردم خوزستان خجالت‌آور است. نوشتن از مردمی که فکر نمی‌کنم کسی از درد و آلام آنها بی‌اطلاع باشد و تا به حال اندک واکنشی هم به آن نداشته باشد. حالا می‌خواهد این واکنش از جانب سلبریتی‌ها و نون به نوح روزخورهای مجازی باشد یا دلسوزان واقعی! با این همه اما شرم‌آورتر از این کاغذ سیاه‌کردن‌ها بی‌فایده‌ماندن این مطالبات است. عجیب اما در مواجهه با مساله خوزستان این سوال است که مگر این جغرافیا چه هیزم تری به عالم فروخته که با این مقدار از ثروت و موهبت نهفته در آن از هرگوشه‌اش صدای محرومیت و مشکل و واسفا به گوش می‌رسد؟ یک روز جنگ تحمیلی همه چیز را به خاک و خون می‌کشید، یک روز ماجرای انتقال آب، نان و آب مردم این استان را آجر می‌کند، یک روز کارگران و صنعتگران استان را دچار مشکل می‌کند، یک روز گردوخاک نفس مردمش را به شماره می‌اندازد، یک

روز مشکلات اقتصادی و تبعیض اعتراضات مردمی را پدیدار می‌کند، یک روز فاضلاب شهری گندش را در می‌آورد، یک روز بی‌آبی مردم را به ستوه می‌آورد، یک روز فساد مدیران ارشد استان روی اعصاب مردم رزه می‌رود و خلاصه خیلی دیگر از این یک روزها و روزها و روزهایی که همه‌اش گره‌خورده با سرنوشت مردمی که جز آبادی و آزادی چیزی نخواستند و نمی‌خواهند. دوباره بنویسیم که خجالت می‌کشم از این سیاه‌نویسی‌ها برای رسیدگی به درد مردمی که حالا برای طلب آب در این گرمای طاقت‌فرسای جنوب به خیابان‌ها آمده‌اند و تیر خوردند و ما پس از واقعه مطلع شدیم غیزانیه‌ای هم در این جغرافیای بداقبال وجود دارد که چند ده هزار نفر از مردم، در این روزهایی که لیترلیتر آب در جای‌جای کشور فقط صرف دست‌شستن و رعایت بهداشت فردی می‌شود تا مبادا کسی مبتلا به کرونا شود و سلامت‌ش به خطر بیفتد، محتاج قطره‌ای آب برای رفع عطش و احتیاجات یومیه‌شان هستند. مردمی که در طلب این آب حتی تراکتوری هم نداشته‌اند که به رسم رحمت بخشی، خروج، حتمی‌کیا از غیزانیه به‌سمت پاسنور راهی شوند و دردشان را فریاد بکشند و سراسر به بستن جاده‌ای بسنده کردند که در نهایت با تیر و برخورد‌های قهری پذیرایی شدند.

## ماجرای غیزانیه در روز آذاسازی خرمشهر

سوم خرداد را همه به دلایلی به یاد داریم، یکی مثل رائنده‌تاکسی که چندروز پیش سوار شدم، به‌عنوان روزی که خودروسازها معمولا طرح‌های فروش خودرو می‌گذاشتند و می‌گذاردند، به یاد داشت، عده‌ای هم اما خبر از اتفاق بزرگی که سال‌ها پیش در این روز رخ داد، مطلعند: آذاسازی خرمشهر! سوم خرداد ۹۹ اما سواي تمام بگیر و ببند‌ها و یادواره‌ها و اتفاقات و تفاخرهایی که با خود به‌خاطر ماجرای آذاسازی خرمشهر به‌همراه دارد، امسال برگ دیگری را نیز به یادگار گذاشت تا یادمان نرود که اگر خرمشهر آزاد شد، همان حوالی خرمشهر، هستند مردمی که در حسرت آزادی و آبادی عمر می‌گذرانند. به روایت مردم محلی و البته برخی خبرنگاران حاضر در منطقه، سوم خرداد ۹۹ تعدادی از اهالی برخی روستاهای غیزانیه به‌منظور اعتراض به‌دلیل نبود آب و مشکلات ناشی از این اتفاق به‌سمت بخشداری این منطقه حرکت می‌کنند تا هم مطالبه‌شان را به گوش بخشدار برسانند و هم شاید مشکل‌شان برطرف شود. بعد از رسیدن به بخشداری متوجه می‌شوند که مقام مسئول ساعت ۱۰ صبح روز کاری در محل کارش حضور ندارد. این مساله در کنار واکنش نامناسب یکی از کارمندان بخشداری باعث عصبانیت بیشتر مردمی شد که حالا حتی مسئولان که باید از مشکلات موجود مطلع هم می‌بودند، گوش شنوایی هم نداشتند. ناامیدی و به در بسته‌خوردن مطالبات مردم باعث شد آنها به‌سمت روستاهای خود بازگردند، اما همان‌طور که بالاتر هم گفتیم، جاده اصلی ترانزیت اهواز-امیدیه از این منطقه می‌گذرد و اهالی معترض روستاها وقتی به جاده می‌رسند، برای اینکه صدایشان به گوش مسئولان و رسانه‌ها برسد، تصمیم به بستن این جاده می‌کنند. با سنگ و لاستیک‌های آتش‌زده جاده را مسدود می‌کنند و حالا اعتراضات‌شان وارد فاز جدیدی می‌شود. این اقدام آن هم در آن جاده حتما واکنش‌هایی را به‌دنبال می‌داشت و مردم محلی هم از این اتفاق آگاه بودند. کمی بعد از این اتفاق، نیروی انتظامی مثل همیشه و همه اعتراضات این چنینی از راه می‌رسد و ابتدا به روش مسالمت‌آمیز سعی در کنترل شرایط دارد و می‌خواهد

خیلی‌زود جاده را بازگشایی کند، اما مردم که واقعا به ستوه آمده بودند و به قولی گوش‌شان از این حرف‌ها و وعده‌ها و... پر بود و خیلی امیدی به بهبود شرایط نداشتند، دست از کارشان برنداشتند و همچنان جاده بسته ماند. به گفته یکی از محلی‌ها، یکی از ماموران نیروی انتظامی برخورد تند و نامناسبی را با اهالی روستاها انجام می‌دهد که این اتفاق بیشتر باعث ملتهب شدن و تشویش فضا می‌شود و بین مردم و نیروهای انتظامی درگیری اتفاق می‌افتد. یک طرف با سنگ و چوب و هر آنچه دم‌دست‌شان بود، به‌سمت ماموران و سربازان نیروی انتظامی حمله می‌کنند و سر دو سرباز هم در این هجوم اعتراضی آسیب می‌بیند. این اتفاق باعث شد تا فاقتن بر خورد قهری نیروهای انتظامی تیراندازی با تفنگ ساچمه‌ای به‌سمت مردم می‌شود که به گفته محلی‌ها چهار یا پنج نفر هم مجروح می‌شوند. در پایان و بعد از تیراندازی و ایجاد سروصدا و... این درگیری و این جاده‌بستن اهالی برخی روستاهای غیزانیه پایان می‌پذیرد و جاده بازگشایی می‌شود، اما آنچه همچنان بسته مانده، در مطالبه مردم و همان در دسترس نبودن آب در غیزانیه است. این البته یکی از تفاسیر و تعاریف از وضعیت موجود در غیزانیه در روز سوم خرداد ۹۹ است که البته به نسبت سایر روایات‌ها به واقعیت نزدیک‌تر است.

محسن دالوند، فرمانده انتظامی شهرستان اهواز هم در ارتباط با این تجمع مردمی خاطرنشان کرد: «اعتراض مردم به تامین نشدن آب شرب‌شان یک مطالبه قانونی است، اما باید در مجرای قانونی انجام شود. پس از ورود ماموران پلیس برای بازگشایی جاده، تعدادی از تجمع‌کنندگان با سنگ و چوب به‌سوی ماموران حمله‌ور شدند و دو مامور پلیس را از ناحیه سر مجروح کردند. پلیس با استفاده از سلاح ساچمه‌ای پلاستیکی ضدشورش دو نفر از تجمع‌کنندگان را به‌صورت سطحی مجروح و بازداشت کردند و در حال حاضر هیچ مشکلی ندارند.» البته این ادعای دالوند کمی با ادعاهای منابع محلی در تناقض است.

## مشکل اصلی استان مدیریت فاسد و ناکارآمد است، قوه قضائیه سریع‌ا به مسائل استان ورود کند

این همه منابع و ثروت خدادادی که روی گنج‌نشسته، این همه دزد و غارتگر دارد و با این حال تا امروز دستگاه قضایی به استان ورود نکرده است. به نظر من ریشه‌ای باید حل شود و تیغ جراحی را بلند کنیم و این بدن را بشکافیم و جراحی کنیم. مشکل غیزانیه هم حل بشود، باقی مناطق استان چه؟» موسوی در ارتباط با مشکل غیزانیه هم گفت: «مشکل کم‌آبی است. غیزانیه یک بخش در مسیر اصلی شاهراه اهواز به شیراز و بنادر و حدود ۲۵ کیلومتری اهواز است. روستاهای مختلفی دارد که آب ندارند. زمان انتخابات ریاست‌جمهوری گفتند این را سریع‌ا حل می‌کنیم ولی تا الان حل نشده است و الان می‌گویند مشکل ارز داریم، اگر مشکل ارز داریم، چرا رئیس بانک مرکزی می‌گوید مشکل ارزی در کشور نداریم؟ مشکل غیزانیه کم‌آبی نیست، فساد استان است. به نظر من بنویسید استانی که این همه ثروت و منابع غنی دارد و این همه مفسدان اقتصادی از این استان درمی‌آیند، مشکل مدیریت دارد، نه ثروت! یک زمانی ماجرای فساد جزایری بر سر زبان‌ها بود، بعد مه‌آفرید آمد، بعد بابک زنجانی شد و بعد خاوری و صنایع فولاد و الان هم اسدیگیی و... این همه فساد در این استان وجود دارد و فساد خود آبفای استان که وام چندده‌هزار میلیاردی را از صندوق ارزی بین‌المللی گرفته و هیچ‌کاری انجام ندادند، حالا سر این جریان قرار گرفته است. استانی با این همه فساد چرا اولویت سفرهای استانی آقای رئیسی نیست؟ درد ما و مطالبه ما از قوه قضائیه است. در استان مشکلات عدیده دیگری نیز وجود دارد، اما کسی گوشش دهکاکر نیست.»

## در وصف غیزانیه

از تهران، آن هم چندروز بعد از وقوع اتفاق دردناک غیزانیه، نوشتن از آنچه آنجا رخ می‌دهد، خیلی جالب به‌نظر نمی‌رسد، اما این بار هم از مصائب خوزستان پردرد می‌نویسیم، شاید این‌بار، آن امید همیشگی و رسیدن به وضعیت مطلوب محقق شود، کسی چه می‌داند! این صفحات مجازی درباره غیزانیه این‌طور نوشته‌اند: غیزانیه نام بخشی از شهرستان اهواز در استان خوزستان است و به تعبیری بزرگ‌ترین بخش این شهرستان است که در قسمت شرقی مسیرهای اهواز به ماهشهر، رامشیر، رامهرمز و هفتکل قرار دارد. براساس سرشماری سال ۹۵ غیزانیه ۲۴۶۱۳ نفر جمعیت دارد. غیزانیه حدود ۸۲ روستا دارد که اهالی آن اکثر مشغول کشاورزی و دامپروری هستند. در مصائب کهنه و زخم‌های درمان‌نشده این منطقه که از فضا ملو از شرکت‌های نفتی و پتروشیمی نظیر شرکت‌های نفت و گاز کارون و مارون، شرکت ملی حفاری ایران، پتروشیمی مارون و پتروشیمی رازی است و در مسیر ترانزیت بنادر ایران نیز قرار دارد هم آمده است که از آب آشامیدنی سالم، دسترسی به خطوط تلفن و اینترنت با کیفیت و... بی‌بهره‌اند. احتمالا چندسال دیگر ویرانگر نسل‌های آینده بنویسیم که منطقه‌ای با چنین ظرفیت و پتانسیلی در نزدیکی پرآب‌ترین رودخانه ایران که استان‌های همجوارش را هم سیراب کرده، از آب سالم بی‌بهره بوده است. حساسی به ریش ما و مدیران این استان می‌خندند.

## درد کهنه غیزانیه

اما نکته قابل‌تأمل دیگر در ارتباط با ماجرای غیزانیه، تکراری بودن این مطالبه حداقلی است. در هر منبع و رسانه‌ای که نام غیزانیه را جست‌وجو می‌کنیم، از مدت‌ها قبل با همین تیترا و همین مطالبات روبه‌رو می‌شویم. این که مردم این منطقه برای ذره‌ای آب آشامیدنی با کیفیت مدت‌هاست مشکل دارند، یا به بیانی بهتر، مردم غیزانیه در کنار بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه ایران مدت‌هاست که برای ذره‌ای آب آشامیدنی مشکل دارند و آب کارون با طرح‌های مختلف انتقال آب، سایر استان‌های کشور را سیراب می‌کند! مرور برخی وعده‌هایی که برای رفع مشکل آب غیزانیه داده شد و هیچ‌وقت عملی نشد هم خالی از لطف نیست. سال ۸۳: آغاز مشکلات آب منطقه غیزانیه در سال ۸۳ و پس از شکست طرح آبرسانی در این سال بود. این طرح بعد از حدود ۶ ماه از انجام و آغاز با شکستگی لوله و... مواجه شد و همین ماجرا غیزانیه را برای سال‌ها دچار مشکلات کمبود آب کرد. سال ۹۵: حدود ۱۲ سال کسی گوش به مطالبات مردم این منطقه نسیسد تا اینکه سال ۹۵ و در پی بازدید استاندار خوزستان از غیزانیه قرار شد تا پایان سال ۹۵ مشکل آب منطقه با طرح جدید آبرسانی در دو فاز حل‌وفصل شود. اما این وعده نیز راه به جایی نبرد. سال ۹۹: خرید آب تانکری برای آشامیدن و احشام تنها راه حلی بوده که تا امروز پیش‌روی اهالی این منطقه قرار گرفته است. شرعیتی، استاندار خوزستان هم که این روزها حواشی مختلفی را پشت‌سر می‌گذارد، بعد از وعده وعده‌های متعدد این‌بار در آخرین اظهارنظر ۱۲ اردیبهشت سال جاری خبر از رفع مشکل آب غیزانیه در ۴۵ روز آینده داد که این وعده هم خیلی برای مردمی که سال‌هاست با وعده و وعیده‌ها روزگار گذرانده‌اند، مطلوب نیفتاده است.

اینها البته بخشی از وعده‌هایی است که مسئولان مختلف استانی طی سالیان متمادی به مردم منطقه غیزانیه داده‌اند. منطقه‌ای که ۳۰۰ حلقه چاه نفت را در خود جای داده و از این حیث منبع انبوهی از ثروت است.

## ۸۰ درصد کارهایی که برای رفع مشکل آب استان پیش‌بینی شده روی زمین باقی مانده است

مهدی قمشی، فعال محیط‌زیست و عضو هیات‌علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در ادامه و در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به معضل همیشه پایدار آب در این استان پرآب اشاره کرد و گفت: «مشکل آب در استان خوزستان سالیان سال است که وجود دارد و شاید اصلی‌ترین علت آن هم نبود مدیریت کارآمد است. طرح‌های بزرگی همانند طرح بزرگ غدیر یا طرح انتقال شرق استان خوزستان از کارون ۳ برای رفع این مشکل پیش‌بینی شده است و بنا بود طرف ۴-۳ سال به نتایجی برسند ولی متأسفانه هیچ‌یک نه‌تنها گرهی را باز نکردند بلکه در ۲۰ درصد پیشرفت کار هم نیستند؛ یعنی ۸۰ درصد کارهایی که برای رفع مشکل آب استان پیش‌بینی شده، روی زمین باقی مانده است. عیب از کجاست و چه کسی مقصر، بحث دیگری است و باید پاسخگو باشند که چرا این طرح‌ها روی زمین مانده است. عمر طرح غدیر الان بین ۱۲ تا ۱۵ سال است ولی این طرح‌ها به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند، نه طرح غدیر و نه طرح شرق استان که بنا بود تقریبا مشکل تمام شهرهای استان را که مدت‌های مدیدی مشکل داشتند، حل کند. علت این تاخیر و عقب‌ماندگی، هم از نظر کیفیت بوده است و هم کمیت، می‌خواستند در این زمینه مشکل کمیت و کیفیت را به‌تحوی حل کنند ولی این طرح‌ها به‌رصورت به‌کندی پیش می‌رود. بسیار کند هستند. نکته دیگری هم که در ارتباط با طرح‌های انتقال وجود دارد و مطرح است، اینکه این طرح‌های موجود یعنی امثال غدیر را خیلی گسترش نمی‌دهند، چون امید به طرح‌های جدیدی دارند که وارد مدار شوند و مشکل را به‌کل حل کنند. از آن طرف به آن طرح‌ها هم بودجه‌ای اختصاص داده نمی‌شود یا مدیریت صحیحی اعمال نمی‌شود یا پیگیری نمی‌شود. در‌هرصورت چیزی عاید مردم نشده است. اگر می‌بینید در آبادان و خرمشهر قدری از مشکلات حل شد، برای اجرای طرح غدیر نبوده است. در آن بحران اصل طرح غدیر نیست بلکه از پایین دست رود کرخه آب می‌گیرند و با آن اساس و حقیقت اصل طرح غدیر زمین تا آسمان تفاوت و فاصله دارد.»

